****

[ادامه غسل روز غدیر 1](#_Toc38739132)

[هشتم: غسل روز مباهله 2](#_Toc38739133)

[نهم: غسل روز پانزدهم شعبان 3](#_Toc38739134)

[دهم: غسل روز هفدهم ربیع 3](#_Toc38739135)

[یازدهم: غسل روز نوروز 4](#_Toc38739136)

[دوازدهم: غسل روز نهم ربیع الأوّل 5](#_Toc38739137)

[سیزدهم: غسل روز دحو الأرض (بیست و پنجم ذی القعده) 6](#_Toc38739138)

[چهاردهم: غسل هر شب جمعه، غسل هر زمانی که شرف دارد 6](#_Toc38739139)

[مسأله 19: عدم قضاء و عدم جواز تقدیم أغسال زمانیّه 8](#_Toc38739140)

[مسأله 20: بررسی مستحب نفسی بودن غسل 9](#_Toc38739141)

**موضوع**: خصوصیّات - مسائل /غسل غدیر - مباهله - نوروز و ... /أغسال مستحبّی

**خلاصه مباحث گذشته:**

#### ادامه غسل روز غدیر

بحث در غسل روز غدیر بود؛ ادّعای اجماع شده بود؛ و یک روایتی هم بود که سندش گیر داشت؛ و همچنین روایت فقه الرضا بود؛ و یک روایتی هم در اقبال دارد. ﴿أ تعرفون يوما شيّد اللّه به الإسلام، و أظهر به منار الدّين، و جعله عيدا لنا و لموالينا و شيعتنا؟ ... و هو اليوم الثامن عشر من ذي الحجّة ... فإذا كان صبيحة ذلك اليوم وجب الغسل في صدر نهاره، و أن يلبس المؤمن أنظف ثيابه و أفخرها و يتطيّب إمكانه و انبساط يد﴾.[[1]](#footnote-1) لکن این روایت هم سند ندارد.

در مقابل یک جمله­ای است که مرحوم صاحب جواهر از من لا یحضره الفقیه نقل کرده است. «وَ أَمَّا خَبَرُ صَلَاةِ يَوْمِ غَدِيرِ خُمٍّ وَ الثَّوَابُ الْمَذْكُورُ فِيهِ لِمَنْ صَامَهُ فَإِنَّ شَيْخَنَا مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ كَانَ لَا يُصَحِّحُهُ وَ يَقُولُ إِنَّهُ مِنْ طَرِيقِ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى الْهَمْدَانِيِّ وَ كَانَ كَذَّاباً غَيْرَ ثِقَةٍ وَ كُلُّ مَا لَمْ يُصَحِّحْهُ ذَلِكَ الشَّيْخُ قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ- وَ لَمْ يَحْكُمْ بِصِحَّتِهِ مِنَ الْأَخْبَارِ فَهُوَ عِنْدَنَا مَتْرُوكٌ غَيْرُ صَحِيحٍ‌«.[[2]](#footnote-2) ظاهر این نقل، این است که عدّه­ای منکر هستند.

و لکن از این عبارت استفاده نمی­شود که اینها منکر استحباب غسل هستند؛ بلکه آنها استناد آن أعمال را به این روایت، منکر هستند. لذا این جمله با إدّعای اجماع بر استحباب غسل در روز عید غدیر منافات ندارد.

#### هشتم: غسل روز مباهله

الثامن: يوم المباهلة و هو الرابع و العشرون من ذي الحجة على الأقوى و إن قيل إنه يوم الحادي و العشرين و قيل هو يوم الخامس و العشرين و قيل إنه السابع و العشرين منه و لا بأس بالغسل في هذه الأيام لا بقصد الورود.

غسل روز مباهله مستحب است. اینک روز مباهله چه روزی است، محل اختلاف است؛ ظاهراً مرحوم سیّد به کلام مرحوم شیخ طوسی در مصباح المتهجّد عمل کرده است، که مرحوم شیخ مباهله را روز بیست و چهارم قرار داده است. طبق مصباح روز مباهله، بیست و چهارم ذی الحجّه است؛ و همین هم بین اصحاب مشهور است.

وجه و دلیل استحباب غسل در یوم المباهله، یکی روایت ابن طاووس است. ﴿السَّيِّدُ عَلِيُّ بْنُ طَاوُسٍ فِي كِتَابِ الْإِقْبَالِ، بِإِسْنَادِهِ إِلَى أَبِي الْفَرَجِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي قُرَّةَ بِإِسْنَادِهِ إِلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقُمِّيِّ رَفَعَهُ فِي خَبَرِ الْمُبَاهَلَةِ وَ هِيَ يَوْمُ أَرْبَعٍ وَ عِشْرِينَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ ... قَالَ إِذَا أَرَدْتَ ذَلِكَ فَابْدَأْ بِصَوْمِ ذَلِكَ الْيَوْمِ شُكْراً لِلَّهِ تَعَالَى وَ اغْتَسِلْ وَ الْبَسْ أَنْظَفَ ثِيَابِكَ بِمَا قَدَرْتَ عَلَيْهِ عَلَى السَّكِينَةِ وَ الْوَقَارِ ...﴾.[[3]](#footnote-3)

وجه دیگر هم مرسله مرحوم شیخ در مصباح المتهجّد است.﴿أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ هَارُونَ بْنِ مُوسَى التَّلَّعُكْبَرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مَخْزُومٍ قَالَ أَخْبَرَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْعَدَوِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ صَدَقَةَ الْعَنْبَرِيِّ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ (علیه السلام) قَالَ يَوْمُ الْمُبَاهَلَةِ الْيَوْمُ الرَّابِعُ وَ الْعِشْرُونَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ تُصَلِّي فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ مَا أَرَدْتَ مِنَ الصَّلَاةِ فَكُلَّمَا صَلَّيْتَ رَكْعَتَيْنِ اسْتَغْفَرْتَ اللَّهَ تَعَالَى بِعَقِبِهَا سَبْعِينَ مَرَّةً ثُمَّ تَقُومُ قَائِماً وَ تَرْمِي بِطَرْفِكَ فِي مَوْضِعِ سُجُودِكَ وَ تَقُولُ وَ أَنْتَ عَلَى غُسْلٍ ...﴾.[[4]](#footnote-4) که این هم مرسله است، و سند ندارد. و اگر کسی مثل مرحوم سیّد اخبار من بلغ را قبول داشته باشد، استحباب غسل یوم المباهله تمام است. البته اینکه در موثقه سماعه[[5]](#footnote-5) فرموده «و غسل المباهله واجب»؛ این مال افعال است، نه غسل یوم المباهله؛ لذا نمی­شود به آن استدلال کرد. نسبت به روز هم می­شود با اخبار من بلغ درست کرد.

#### نهم: غسل روز پانزدهم شعبان

التاسع‌: يوم النصف من شعبان.

در مورد غسل روز نیمه شعبان، روایت خاصی نداریم. مگر اینکه به اطلاقات عید تمسّک بکنیم، یا از مجموع روایات به دست می­آید روزی که شرف دارد، غسل دارد. بله یک روایت را مرحوم صاحب وسائل در مورد غسل نیمه شعبان نقل کرده است؛ لکن آن هم در مورد شب نیمه شعبان است. ﴿مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ جَمَاعَةٍ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ هَارُونَ بْنِ مُوسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْفَرَزْدَقِ الْقِطَعِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ الْمَالِكِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هِلَالٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ: صُومُوا شَعْبَانَ وَ اغْتَسِلُوا لَيْلَةَ النِّصْفِ مِنْهُ- ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ رَحْمَة ٌ﴾.[[6]](#footnote-6)

#### دهم: غسل روز هفدهم ربیع

العاشر: يوم المولود‌ و هو السابع عشر من ربيع الأول.

محل اختلاف است که یوم مولود چه روزی است؛ آیا هفدهم ربیع الأوّل است، یا دوازدهم ربیع الأوّل است، که مرحوم کلینی دوازدهم را اختیار نموده است. یوم المولود، هم روایت ندارد. مگر اینکه به اطلاقات غسل در یوم العید تمسّک کرد؛ یا به از روایات استفاده نمود که هر روزی که شرف دارد، غسل در ان روز مستحب است. البته در ادامه خواهد آمد که یکی از اغسال، غسل یوم المولود است؛ که آن هم مربوط به غسل مولود است. غسل مولود، یعنی آنی که تازه به دنیا آمده است.

#### یازدهم: غسل روز نوروز

الحادي عشر‌: يوم النَيروز.

راجع به نیروز بحث­های مفصّلی کرده­اند. یک بحث راجع به غسل است، که آیا مشروعیّت دارد، امضاء شده است؛ یا نه؟

مرحوم صاحب وسائل یک روایت را از معلّی بن خنیس نقل کرده است. ﴿مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ فِي الْمِصْبَاحِ عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ عَنِ الصَّادِقِ (علیه السلام) فِي يَوْمِ النَّيْرُوزِ قَالَ إِذَا كَانَ يَوْمُ النَّيْرُوزِ- فَاغْتَسِلْ وَ الْبَسْ أَنْظَفَ ثِيَابِكَ الْحَدِيث َ﴾.[[7]](#footnote-7)

مشابه این روایت را مرحوم صاحب وسائل در باب 48، أبواب بقیّة الصلوات المندوبة آورده است؛ که ظاهراً یک روایت است. ﴿مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ فِي الْمِصْبَاحِ عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ عَنْ مَوْلَانَا الصَّادِقِ (علیه السلام) فِي يَوْمِ النَّيْرُوزِ قَالَ إِذَا كَانَ يَوْمُ النَّيْرُوزِ- فَاغْتَسِلْ وَ الْبَسْ أَنْظَفَ ثِيَابِكَ- وَ تَطَيَّبْ بِأَطْيَبِ طِيبِكَ- وَ تَكُونُ ذَلِكَ الْيَوْمَ صَائِماً- فَإِذَا صَلَّيْتَ النَّوَافِلَ وَ الظُّهْرَ وَ الْعَصْرَ- فَصَلِّ بَعْدَ ذَلِكَ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ- تَقْرَأُ‌ فِي أَوَّلِ كُلِّ رَكْعَةٍ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ- وَ عَشْرَ مَرَّاتٍ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ- وَ فِي الثَّانِيَةِ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ- وَ عَشْرَ مَرَّاتٍ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ- وَ فِي الثَّالِثَةِ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ عَشْرَ مَرَّاتٍ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ- وَ فِي الرَّابِعَةِ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ- وَ عَشْرَ مَرَّاتٍ الْمُعَوِّذَتَيْنِ- وَ تَسْجُدُ بَعْدَ فَرَاغِكَ مِنَ الرَّكَعَاتِ سَجْدَةَ الشُّكْرِ- وَ تَدْعُو فِيهَا يُغْفَرُ لَكَ ذُنُوبُ خَمْسِينَ سَنَةً ﴾.[[8]](#footnote-8)

مرحوم مجلسی این روایت را در بحار به طور مسند نقل کرده است، ولی آن سند مشتمل بر مجاهیل است.

ما باشیم و علم اصول روایت معتبره­ای بر غسل نداریم. هر چند مرحوم صاحب جواهر[[9]](#footnote-9) می­خواهد این روایت را تأیید بکند، خصوصاً می­گوید طبق حسابی که کرده­اند، روز ولایت هم در روز نوروز بوده است. آن طور که بعضی تتبّع کرده­اند، نصب أمیر المؤمنین (علیه السلام) در روز بیست و هشتم اسفند افتاده است؛ آن زمان­ها نوروز این قدر منضبط نبوده است. و لکن اینها نیاز به تتبّع دارد.

از طرف دیگری خود نیروز هم واضح نیست که چه زمانی است؛ چند قول است یک قولش این است که اول فروردین است. حال شاید از باب استصحاب عدم نقل این را بشود درست کرد. ولی مهمّش این است که اینها سند ندارد. و به درد مثل مرحوم خوئی نمی­خورد. لذا دلیل غسل یوم النیروز روایت معلَّی است؛ و ما و لو معلّی را از باب اینکه أخبار مادحه دارد، قبول بکنیم، گرچه نجاشی می­گوید ضعیف است، که منشأ این تضعیف هم حرف غضائری است که می­گوید لا أستحل روایته؛ اما در جائی که این طرف توثیق است، و آن طرف تضعیف نجاشی است، که ضمیمه شده به حرف ابن غضائری، می­گوئیم منشأ تضعیف نجاشی همان حرف غضائری است. لکن ما به این جور وقایعی که مرحوم صاحب جواهر نقل کرده، وثوق پیدا نمی­کنیم؛ خصوصاً که بعضی از وقایع که ذکر شده است، تطبیق نمی­کند.

پس غسل نیروز و تأیید نیروز و ظهور در عید نوروز، شک انسان را راجع به این روایت زیاد می­کند.

#### دوازدهم: غسل روز نهم ربیع الأوّل

الثاني عشر‌: يوم التاسع من ربيع الأول.

این را هم باید با اطلاقات غسل در روز عید و روایات شرف درست بکنیم. و دلیل خاصی ندارد.

#### سیزدهم: غسل روز دحو الأرض (بیست و پنجم ذی القعده)

الثالث عشر: يوم دحو الأرض و هو الخامس و العشرين من ذي القعدة.

این را هم باید با همان اطلاقات غسل در روز عید، و روایاتی که از آنها استفاده می­شود که غسل در هر روزی که شرف دارد، درست کرد. مرحوم صاحب جواهر[[10]](#footnote-10) فرموده هر چه تتبّع کردیم، اثری از این غسل پیدا نکردیم.

#### چهاردهم: غسل هر شب جمعه، غسل هر زمانی که شرف دارد

الرابع عشر‌: كل ليلة من ليالي الجمعة على ما قيل بل في كل زمان شريف على ما قاله بعضهم و لا بأس بهما لا بقصد الورود‌.

بنا بر آنچه گفته شده است، در هر شب جمعه، غسل مستحب است. بلکه بنا بر آنچه بعضی گفته­اند در هر زمان شریفی غسل مستحب است. وجه آن هم این است که گفته­اند این غسل­هائی که در زمان­های شریف آمده، خصوصیّت ندارد، لذا از آنها به هر زمان شریفی تعدّی کرده­اند. مرحوم سیّد هیچ کدام از این دو قول را قبول نکرده است؛ لذا فرموده این غسل­ها نباید به قصد ورود باشد.

اینجا یک نکته طلبه­ای وجود دارد، و آن نکته این است که کسی توهّم کند اصلاً غسل مثل وضو است، و از طرفی هم در آیه شریفه فرموده ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِين َ﴾.[[11]](#footnote-11) لذا همانطور که وضو طهارت است، و در هر زمانی مستحب نفسی است؛ غسل هم در هر زمانی مستحب نفسی است؛ بدون اینکه غایت یا سببی داشته باشد. در مسأله بیستم هم مرحوم سیّد این بحث را مطرح کرده است.

در باب طهارت ثلاث، سه مسلک است؛ بعضی می­گویند وضو همین افعال است؛ شارع همین افعال را به عنوان طهارت إعتبار کرده است. (نظر مرحوم خوئی). بعضی می­گویند طهارت متحصَّل از این افعال است. سبب و مسبب هستند. شارع طهارت را بعد از وضوء اعتبار کرده است، مثل تذکیه. و یک نظر این است که وضو امر تکوینی است، کسی که وضو بگیرد، تکوینا نفسش روشن می­شود. روی هر سه مسلک، باید بحث کرد که آیا غسل در هر جائی می­تواند اتّفاق بیفتد یا نمی­تواند.

این بحث اصلاً روی مسلک طهارت وجه دارد، که اگر طهارت است، و طهارت هم محبوب است، پس در هر جائی باید بتوان طهارت را تحصیل کرد. اما اگر کسی گفت فقط غسل جنابت طهارت است، نه سایر اغسال، و در صورت شک، اصل عدم محبوبیّت و مشروعیّت است.

این است که این اشکال، روی مبنای مرحوم خوئی است؛ لذا ایشان در صدد جواب بر آمده است؛ که گرچه غسل را طهارت و أنقای از وضو می­دانیم، و لکن غسل در همه جا مشروع نیست. فرموده روی مبنای ما که طهارت عنوان اعتباری است، و طهارت یعنی وضو؛ در جائی که دلیل نداریم، دلیل بر این اعتبار نداریم. آیه قرآن می­گوید خداوند متطهِّرین را دوست دارد؛ ولی اول کلام است که در اینجا غسل مشروع است.

در وضو اطلاقاتی داریم که «الوضوء نورٌ» ولی در غسل اطلاقی نداریم. شارع هر غسل مشروعی را طهارت و أنقی اعتبار کرده است؛ ولی در بحث غسل ما شک داریم که غسل مشروع است یا نه.

اما روی مبنای محصِّل و متحصِّل هم باز نیاز به دلیل دارد؛ اینکه شارع مقدّس این غسل را محصِّل طهارت قرار داده باشد، نیاز به دلیل دارد، و ما دلیل مطلقی نداریم که غسل دائماً محصِّل طهارت است. بلکه هر جا غسل را مشروع کرد، کشف می­کنیم که غسل را محصِّل طهارت قرار داده است؛ و کشف می­کنیم که طهارت را مترتّباً بر غسل اعتبار کرده است؛ و در مورد شک، اصل عدم تحقّق متحصِّل است. و در طهارت تکوینی هم همین جور است. اینکه این غسل محصِّل طهارت تکوینی استت؛ باید شارع ما را به آن خبر بدهد؛ و فقط در یک مواضعی به ما گفته غسل کنید. علی کلّ حالٍ نیاز به اطلاق داریم، که این اطلاق، در باب وضو هست و اما در باب غسل نیست. لذا در باب وضو نیاز به سبب و غایت نداریم، بخلاف باب غسل که نیاز به سبب داریم.

بله یک روایتی در مقام هست، که مستدرک از محمد بن حسن نقل کرده است. ﴿جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قُولَوَيْهِ فِي كَامِلِ الزِّيَارَةِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ قَالَ دَخَلَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام) فَقَالَ (علیه السلام) لَهُ أَ تَغْتَسِلُ مِنْ فُرَاتِكُمْ فِي كُلِّ يَوْمٍ مَرَّةً قَالَ لَا قَالَ فَفِي كُلِّ جُمُعَةٍ قَالَ لَا قَالَ فَفِي كُلِّ شَهْرٍ قَالَ لَا قَالَ فَفِي كُلِّ سَنَةٍ قَالَ لَا قَالَ فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ (علیه السلام) إِنَّكَ لَمَحْرُومٌ مِنَ الْخَيْر ِ﴾.[[12]](#footnote-12)‌

در سابق مرحوم خوئی احتمال داده که مراد از محمد بن الحسن، محمد بن الحسن بن الولید باشد. و لکن در ذهن ما مراد محمد بن الحسن بن مهزیار است.

در تنقیح[[13]](#footnote-13) هم بعدها که تحقیق کرده است، گفته در کامل الزیارات هم محمد بن الحسن بن مهزیار است؛ که خود محمد بن الحسن و پدرش گیر دارد؛ و سند ناتمام است.

گفته­اند این روایت دلالت دارد که در هر روز، غسل مستحب است. اینکه بعضی «تغتسل» را بر شستشو حمل کرده­اند؛ خلاف ظاهر است.

مرحوم خوئی فقط در سند روایت مناقشه کرده است، و گفته دلالتش تمام است. ولی در ذهن ما دلالت هم ندارد؛ اینکه در این روایت فرموده آیا هر روز میروی غسل بکنید، یعنی روزهائی که غسل مشروع است. لزومی هم ندارد که هر روز مشروع باشد، تا این سؤال جا داشته باشد. چون فقط می­خواسته بفهمد که با تحقّق اسباب غسل، غسل را در آب فرآت انجام می­دهد یا نه.

##### مسأله 19: عدم قضاء و عدم جواز تقدیم أغسال زمانیّه

مسألة 19: لا قضاء للأغسال الزمانية‌ إذا جاز وقتها كما لا تتقدم على زمانها مع خوف عدم التمكن منها في وقتها إلا غسل الجمعة كما مر لكن عن‌ المفيد استحباب قضاء غسل يوم عرفة في الأضحى و عن الشهيد استحباب قضائها أجمع و كذا تقديمها مع خوف عدم التمكن منها في وقتها و وجه الأمرين غير واضح لكن لا بأس بهما لا بقصد الورود.‌[[14]](#footnote-14)

اگر غسل زمانی، وقتش گذشت؛ قضاء ندارد. و همچنین تقدّم بر زمان هم ندارد. فقط غسل جمعه است که در صورت خوف، مقدّم می­شود. در مورد قضاء غسل جمعه و تقدّم غسل جمعه، دلیل داشتیم؛ اما در غیر غسل جمعه، اصل عدم تقدّم و قضاء است.

لکن مرحوم شیخ مفید گفته اگر غسل یوم العرفه را ترک کرد، مستحب است که در روز عید آن را قضاء بکند. از مرحوم شهید هم نقل شده که فرموده همه غسل­ها را می­شود قضاء کرد؛ و همچنین می­شود آنها را مقدّم داشت. و لکن وجه هر دو قول واضح نیست؛ گرچه به قصد رجاء عیبی ندارد.

##### مسأله 20: بررسی مستحب نفسی بودن غسل

مسألة 20: ربما قيل بكون الغسل مستحبا نفيسا‌ فيشرع الإتيان به في كل زمان من غير نظر إلى سبب أو غاية و وجهه غير واضح و لا بأس به لا بقصد الورود‌.

بحث در مورد این مسأله، در ذیل غسل چهاردهم، مطرح شد.

(أوّلین جلسه سال آینده در تاریخ 11/6/1396 مصادف با یازدهم ذی الحجّة برگزار خواهد شد).

1. - الإقبال بالأعمال الحسنة (ط - الحديثة)؛ ج‌2، صص: 280 - 279. [↑](#footnote-ref-1)
2. [من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج2، ص91 - 90.](http://lib.eshia.ir/11021/2/91%20-%2090/متروک) [↑](#footnote-ref-2)
3. [مستدرک الوسائل، محدث نوری، ج6، ص351.](http://lib.eshia.ir/11015/6/351/و%20اغتسل) [↑](#footnote-ref-3)
4. - مصباح المتهجد؛ ج‌2، ص: 764. [↑](#footnote-ref-4)
5. [وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج3، ص304 - 303، ابواب الأغسال المسنونة، باب1، ح3، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/3/304%20-%20303/المباهلة) «مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ‌ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) عَنْ غُسْلِ الْجُمُعَةِ- فَقَالَ وَاجِبٌ فِي السَّفَرِ وَ الْحَضَرِ- إِلَّا أَنَّهُ رُخِّصَ لِلنِّسَاءِ فِي السَّفَرِ لِقِلَّةِ الْمَاءِ- وَ قَالَ غُسْلُ الْجَنَابَةِ وَاجِبٌ- وَ غُسْلُ الْحَائِضِ إِذَا طَهُرَتْ وَاجِبٌ- وَ غُسْلُ الِاسْتِحَاضَةِ وَاجِبٌ- إِذَا احْتَشَتْ بِالْكُرْسُفِ فَجَازَ الدَّمُ الْكُرْسُفَ- إِلَى أَنْ قَالَ وَ غُسْلُ النُّفَسَاءِ وَاجِبٌ- وَ غُسْلُ الْمَوْلُودِ وَاجِبٌ- وَ غُسْلُ الْمَيِّتِ وَاجِبٌ- وَ غُسْلُ مَنْ غَسَّلَ الْمَيِّتَ وَاجِبٌ- وَ غُسْلُ الْمُحْرِمِ وَاجِبٌ- وَ غُسْلُ يَوْمِ عَرَفَةَ وَاجِبٌ- وَ غُسْلُ الزِّيَارَةِ وَاجِبٌ إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ- وَ غُسْلُ دُخُولِ الْبَيْتِ وَاجِبٌ- وَ غُسْلُ دُخُولِ الْحَرَمِ يُسْتَحَبُّ أَنْ لَا تَدْخُلَهُ إِلَّا بِغُسْلٍ- وَ غُسْلُ الْمُبَاهَلَةِ وَاجِبٌ- وَ غُسْلُ الِاسْتِسْقَاءِ وَاجِبٌ- وَ غُسْلُ أَوَّلِ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ مُسْتَحَبٌّ- وَ غُسْلُ لَيْلَةِ إِحْدَى وَ عِشْرِينَ سُنَّةٌ- وَ غُسْلُ لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ سُنَّةٌ لَا تَتْرُكْهَا- لِأَنَّهُ يُرْجَى فِي إِحْدَاهُنَّ لَيْلَةُ الْقَدْرِ- وَ غُسْلُ يَوْمِ الْفِطْرِ- وَ غُسْلُ يَوْمِ الْأَضْحَى سُنَّةٌ لَا أُحِبُّ تَرْكَهَا- وَ غُسْلُ الِاسْتِخَارَةِ يُسْتَحَبُّ». [↑](#footnote-ref-5)
6. [وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج3، ص335، ابواب الأغسال المسنونة، باب23، ح1، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/3/335/تخفیف) [↑](#footnote-ref-6)
7. [وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج3، ص335، ابواب الأغسال المسنونة، باب24، ح1، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/3/335/النیروز) [↑](#footnote-ref-7)
8. [وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج8، ص173 - 172، ابواب بقیّة الصلوات المندوبة، باب48، ح1، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/8/173%20-%20172/النیروز) [↑](#footnote-ref-8)
9. [جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، محمد حسن نجفی، ج5، ص43 - 41.](http://lib.eshia.ir/10088/5/43%20-%2041/العظیمة) (و أما غسل يوم النيروز فعلى المشهور بين المتأخرين بل لم أعثر على مخالف فيه ل‍‌خبر المعلى بن خنيس عن الصادق (عليه السلام) المروي عن المصباح و مختصره «إذا كان يوم النيروز فاغتسل»‌

   إلى آخره. و في خبره الآخر عن الصادق (علیه السلام)... و لا ريب في الاكتفاء بذلك مع ذكر جماعة من الأساطين منهم الشيخ و يحيي ابن سعيد و العلامة و الشهيد و غيرهم على ما حكي عنهم و وقوع الأمور العظيمة فيه ما سمعته بعض منها و متوقع فيه الفرج و البركة و غير ذلك من الشرف الذي لا ينكر في إثبات مثل هذا المستحب، و لا وجه للمناقشة بعد ذلك في السند أو غيره، كما لا وجه للمعارضة بما‌ عن المناقب ... إذ هو مع قصوره عن ذلك محتمل للتقية كما عن بعضهم، أو يحمل على أن النيروز المذكور فيه غير اليوم المعظم شرعا لوقوع الاختلاف في تعيينه على أقوال، فقيل إنه اليوم العاشر من أيار كما عن بعض المحاسبين و علماء الهيئة. و قيل إنه تاسع شباط كما عن صاحب كتاب الأنوار، و قيل إنه يوم نزول الشمس في أول الجدي، و عن المهذب أنه المشهور بين فقهاء العجم بخلاف أول الحمل، فإنهم لا يعرفونه بل ينكرون على من اعتقده، و قيل إنه السابع عشر من كانون الأول بعد نزول الشمس في الجدي بيومين، و هو صوم اليهود، و قيل هو‌ أول يوم من فروردين ماه، و هو أول شهور الفرس.

   قلت: و المشهور المعروف في زماننا هذا انما هو يوم انتقال الشمس إلى الحمل، بل لا يعرف غيره كما عن المجلسيين النص عليه في الحديقة و زاد المعاد، و الشهيد الثاني في روضته و الفوائد الملية، و على شهرته في زمانه، و الشيخ أبي العباس بن فهد أنه الأعرف بين الناس و الأظهر في الاستعمال، و يؤيده مع ذلك ما يومي اليه‌ خبر المعلى بن خنيس ... فإنه على ما قيل قد حسب ذلك فوافق نزول الشمس بالحمل في التاسع عشر من ذي الحجة على حساب التقويم، و لم يكن الهلال رأي ليلة الثلاثين، فكان الثامن عشر على الرؤية، و كذا صب الماء على الأموات، فإن وضع العيد على الاعتدال الربيعي، إلى غير ذلك من المؤيدات الكثيرة، و لولاها لكان القول بالأخير متجها، و أما باقي الأقوال فهي ضعيفة، بل ربما احتمل في أولها أنه مصحف «آذار» فيوافق المشهور، و لبسط الكلام في ذلك محل آخر). [↑](#footnote-ref-9)
10. [جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، محمد حسن نجفی، ج5، ص41.](http://lib.eshia.ir/10088/5/41/تتبعنا) (و نحن فقد تتبعنا ما عندنا من مصنفات الأصحاب ككتب الصدوق و الشيخين و سلار و أبي الصلاح و ابن البراج و ابن إدريس و ابن زهرة و ابن أبي المجد و ابن سعيد و كتب العلامة و ابن فهد و ابن طاوس فلم نجد له أثرا فالشهرة مقطوع بعدمها، إنما الشأن في من ذكره قبل الشهيد» انتهى، نعم قد يقال باستحباب الغسل فيه من حيث شرفه و فضله بناء على اعتبار مثل ذلك فيه، فتأمل). [↑](#footnote-ref-10)
11. سوره بقره، آيه 222. [↑](#footnote-ref-11)
12. [مستدرک الوسائل، محدث نوری، ج2، ص523.](http://lib.eshia.ir/11015/2/523/فراتکم) [↑](#footnote-ref-12)
13. [موسوعة الامام الخویی، ابوالقاسم خویی، ج10، ص51.](http://lib.eshia.ir/71334/10/51/ناقشنا) (و قد ناقشنا في هذا السند بأن الظاهر و اتحاد الطبقة يقتضيان أن يكون محمد بن الحسن هذا هو ابن الوليد، و أبوه الحسن لم تثبت وثاقته، و احتملنا أن يكون علي بن مهزيار جده من طرف امّه، و لكنها في كامل الزيارات لابن قولويه ليس سندها كذلك بل سندها هكذا: محمد بن الحسن بن علي بن مهزيار عن أبيه عن جده و عليه فهو أي محمد بن الحسن غير ابن الوليد، و هو و أبوه لم تثبت وثاقتهما.

    ثم لا إشكال في دلالتها على محبوبية الغسل في كل يوم لا في كل زمان شريف أو كل زمان أراده المكلف، إلّا أن ضعف سندها كما ذكرنا مانع عن الاعتماد عليها). [↑](#footnote-ref-13)
14. [العروة الوثقی، سید محمد کاظم یزدی، ج1، ص462 - 461.](http://lib.eshia.ir/10028/1/462%20-%20461/لا%20قضاء) [↑](#footnote-ref-14)